

پدیدارشناسی منظر کوشک در سیستم باغ شاه و آسیب‌شناسی تحولات آن در ادوار مختلف

فرزانه السادات دهقان*

استاد مدعو دانشگاه فنی و حرفه‌ای یزد، یزد، ایران.

کیوان فرقانی

گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۶

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۹/۰۴/۰۱

چکیده | باغ شاه یکی از آثار واقع در مجموعه باغستان شهری عباس‌آباد بهشهر متعلق به دوران صفویان است. این باغ و کوشک آن در بازه‌های زمانی مختلف به‌خصوص در دوران معاصر، دچار تحولاتی شتاب‌زده، سلیقه‌ای و تزئیناتی بزرگ‌مانند شده است که آسیبی جدی بر اصالت و هویت اثر تلقی می‌شود. فرضیه پژوهش آن است که آسیب‌های تحولات نابه‌جای باغ ناشی از خروج کوشک از نگرش سیستمی و کل‌نگر باغ در ازای سطحی‌نگری و جزء‌نگری به آن است. این مقاله سعی دارد با پدیدارشناسی منظر کوشک به‌عنوان نقطه عطف باغ آسیب‌ها و تحولات نابه‌جای آن را در ادوار مختلف ارزیابی کند. تحقیق حاضر به‌صورت کیفی با روش توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناسی به‌واسطه اطلاعات میدانی و اسنادی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد، کوشک با تأسی از نگرش سیستمی و کل‌نگر در هماهنگی با سیستم باغ پدید آمده است. گسست نظام‌ها در نگرش جزء‌نگر در ادوار بعد موجب خروج کوشک از سیستم کل‌نگر شده است. ثمره این نگاه سطحی و جزء‌نگر نادیده‌انگاشتن یک کل نظم‌دهنده هدفمند، ورود تغییرات نابه‌جا و سلیقه‌های مختلف، الگوبرداری از کالبد‌های مغایر با معنا، هدف و هویت منظر کوشک، در دوران حاضر است.

واژگان کلیدی | باغ شاه، منظر کوشک، پدیدارشناسی، نگرش سیستمی.

مقدمه | مجموعه باغستان اشرف‌البلاد^۱، در مقیاس شهری در بستری از جنگل، در دوران صفوی با جهان‌بینی اسلامی بنا شده که امروزه بخشی از آن باقی مانده است. باغ شاه (عمارت چهل ستون) که در واقع هسته اصلی این باغ‌هاست عمارت دیوان‌خانه^۲ بوده است. این کوشک در حمله افغان‌ها سوزانده شد و در زمان نادر شاه افشار دوباره بنا شد (منصوری رودکلی، ۱۳۹۰، ۱۸). کوشک در دوره قاجار به‌طور اساسی تعمیر شد، اما بدون توجه به باغ مهجور ماند. کوشک فعلی

اثر برجای‌مانده از دوره پهلوی است (همان). بازسازی کوشک با تحولات شتاب‌زده و ناهمگون با هویت و منظر باغ گاه به‌صورت سلیقه‌ای و آرایش‌بی‌هویت در ساختار تزیینات انجام شد. این بنا هم اکنون به‌عنوان ساختمان شهرداری استفاده می‌شود. پدیدارشناسی منظر کوشک و ارزیابی تحولات آن از اهمیت به‌سزایی در زمینه مطالعات، حفظ هویت آن در برابر امواج تحولات شتاب‌زده و سلیقه‌ای و همچنین بازآفرینی آن برخوردار است.

این مقاله در پی ارزیابی و آسیب‌شناسی تحولات نابه‌جای کوشک به‌عنوان نقطه عطف باغ، در ادوار مختلف، براساس پدیدارشناسی نظام‌های منظر آن در دوره صفوی است.

فدب۱۱۱۱@gmail.com، ۰۹۱۳۷۷۶۰۵۹۶

*نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۷۷۶۰۵۹۶

پدیده، دوری یا نرسیدن به هدف مواجه خواهیم شد. بر این اساس منظر کوشک، خود، پدیده‌ای بدیع است که هدفدار، ماهیت خود را از تلفیق نظام‌های هماهنگ حاکم بر باغ، در تعامل انسان در تلاقی تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و ویژگی‌های مکانی بستر به دست می‌آورد. نظام‌های هماهنگ عناصر باغ مثل سیستم کوشک خود جزئی از یک سیستم بزرگتر در نظام هماهنگ باغ است که در مجموع یک کل را پدید آورده است. میان نظام‌های کوشک در بستر باغ و اجزایش روابطی برقرار است که از جمع جبری اجزا به وجود نیامده و یک واحد سیستم و کل را تشکیل داده است. مهم‌ترین نظام‌های باغ شامل، کالبدی، کارکردی، تمرکز حواس، معنایی و فکری و همچنین زیبایی باغ است.

• چیستی و هویت منظر کوشک در سیستم باغ

منصوری (۱۳۹۸، ۳) معتقد است پایداری زیبایی باغ ایرانی در همین هماهنگی صورت‌ها با نظام فکری و فلسفی ایرانیان است. ایرانیان از دوران کهن با طبیعت و عناصر آن پیوندی مقدس داشتند و در باور آنان جایگاه خاصی داشته است (جواد، ۱۳۸۶، ۱۲). بعدها نیز با جهان‌بینی اسلامی این ارتباط بر پایه احترام به طبیعت و تأمل در آیه‌های آن، ادامه یافت (منصوری، ۱۳۸۴، ۵۸). طبیعت برای ایرانی مسلمان محیطی آرامش‌بخش است که زمینه‌ساز پرورش قوای روحانی و برانگیختن تأملات شهودی و معرفت‌های قلبی است (همان، ۶۱). از این رو وسیله‌ای ناب در خدمت انسان و زمینه‌ساز رشد اوست (همان). مهوش عالمی (۱۳۹۰، ۹) در بررسی باغ‌های ایرانی، جوهر باغ را بیشتر رابطه با طبیعت بکر می‌داند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری در باغ ایرانی تلفیق بنا و آمیختگی آن با باغ، به واسطه عناصر طبیعی شکل‌دهنده، ساختار و پیوندهای فضایی میان آنهاست (دانشدوست، ۱۳۶۹، ۲۲۱). بنا فضای باغ را قطع نمی‌کند، بلکه با دیگر فضاهای باغ و بستر طبیعی پیوند می‌خورد (همان). معماری باغ از کل تا جزء، انتظام و پیکره‌مند کردن حواس و تمرکز انسان را بر عهده دارد (شاهچراغی، ۱۳۹۵، ۱۶۰). پیوستگی و تلفیق کوشک و باغ از طریق تحریک حواس پنجگانه انسان تقویت شده است (همان، ۸۷). پیوستگی درون و بیرون و بی‌مرزی بین آن دو و حس نامحدودی موجب فرح‌بخشی و روح‌افزایی انسان حاضر در آن است (همان، ۸۷-۸۸). کوشک نیز در نقش نظرگاه، سعی در ایجاد تعامل و بهره‌گیری انسان با منظر باغ، به واسطه عناصری نظیر ایوان، کوشک، صفا، چادر و مانند آن دارد (تیموری‌گرده و حیدرنتاج، ۱۳۹۳، ۲۳-۲۴). کوشک‌ها با قرار گرفتن در بالاترین نقطه، یا ایجاد طبقه و ارتفاع، همچنین با گسترش دید، گشودگی و تداوم فضایی در نقش نظرگاه حضور یافتند. حداکثر بهره‌مندی از منظر آب و گیاه به‌عنوان مهم‌ترین عناصر طبیعی در باغ ایرانی، در مکان نظرگاه رخ

سؤالات پژوهش عبارت است از این دو پرسش که «۱. نگرش حاکم بر کوشک در پدیدارشناسی نظام‌های آن در دوره صفوی چگونه است؟» و «۲. تحولات نابه‌جا و آسیب‌های وارد بر کوشک در ادوار بعدی ثمره چیست؟» و فرضیه آن است که کوشک حاصل نگرش سیستمی و کل‌نگر و وحدت و هماهنگی با سیستم باغ است. آسیب‌های تحولات نابه‌جای کوشک نیز ناشی از خروج منظر آن از سیستم کل‌نگر کوشک در بستر باغ و جزءنگری به نظام‌های آن است.

پیشینه تحقیق

اسناد اولیه مربوط به مجموعه باغ‌های اشرف‌البلاد در نوشتار سیاحان و توصیفات نویسندگان موجود است. برخی مقالات تغییرات آن را در دوره‌های بعدی بازخوانی و بررسی کرده‌اند. مصباح‌نیمی (۱۳۸۸) در مقاله «روند شکل‌گیری مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر» این مجموعه را از نظر تاریخی مطالعه و روند تغییرات کالبدی آن را به‌طور اجمالی بیان کرده است. منصوری رودکلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی جایگاه باغ شاه در شهر اشرف‌البلاد در دوران صفوی و پس از آن» به جایگاه باغ، آسیب‌ها و مشکلات ایجادشده برای آن در ارتباط با مجموعه پرداخته است. منصوری رودکلی، دانشدوست و ابویی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای دیگر «بازخوانی سیمای اصیل باغ شاه بهشهر در دوره‌های مختلف تاریخی» چهره اصیل باغ و سیر تحولات آن را از جنبه کالبدی بررسی کرده‌اند که علل تغییرات چندان مورد توجه و بحث مقاله نیست. از آنجا که در منظر باغ، تنها بعد کالبدی مطرح نیست، لازمه پدیدارشناسی کوشک و ارزیابی تحولات آن در کلیت سیستم نظامند باغ، برای دستیابی به نتایج جامع‌تری در حوزه آسیب‌شناسی، پیش‌گیری از مداخلات و تغییرات سلیقه‌ای نابه‌جاست.

مبانی نظری تحقیق

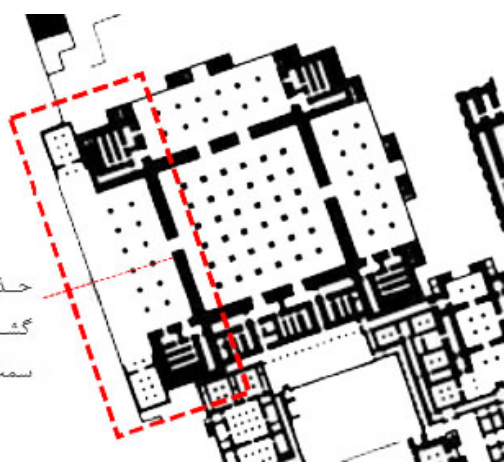
• جایگاه کوشک در سیستم کل‌نگر باغ

در پدیدارشناسی باغ عارفان، فیلسوفان و دانشمندان هر کدام از دریچه نگاه خود یکپارچگی عالم هستی و وحدت وجودش را در چهره‌ای می‌بینند. در باغ همه اجزا، در تعامل و پیوند با یکدیگر، یک کل را پدید آورده‌اند (شاهچراغی، ۱۳۹۵، ۱۵۵). منظر کوشک و عناصر باغ، در این سیستم کل‌نگر حضور می‌یابد. در سیستم‌ها مجموعه‌ای از عناصر و روابط مشخص میان آنها وجود دارد که یک کل واحد را می‌سازند (Scott, 2006, 141). همکاری و پیوند اجزای سیستم در راستای هدف معین به گونه‌ای است که هر کدام مکمل دیگری‌اند (سیحانی تبریزی، ۱۳۷۵، ۷۳). پس تغییرات مستقل هر بخش خارج از محیط سیستم موجب اختلال، نقص و یا ضعف در پدیده می‌شود. بسته به میزان این نوع تغییرات، با افت کیفی

نظام معنایی، زیبایی و رابطه آن با دیگر نظام‌ها، نظام کارکردی و نظام تمرکز حواس) پرداخته شده است.

• نظام کالبدی

شاهان صفوی ستاوندهای آذربایجان را در معماری خود به کار بردند (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۲۰۷). پارادایم ستاوند^۱ در معماری ایران، در باغ‌های دوران اسلامی، به‌ویژه صفوی، به‌صورت وسیع در طرح برون‌گرا استفاده شده‌اند (متدین و متدین، ۱۳۹۴، ۳۴-۳۵). عمارت باغ شاه تمایه‌ای از کاخ‌های آپادانای تخت جمشید اما با ساختاری تغییر یافته داشته است. چنانکه اشتراکاتی کلی، چون فرم‌های چهارگوش، شکل‌های ساده و قائم‌الزاویه و وجود تالار ستون‌دار در میان دو توده قرینه وجود داشته است. به‌طور کلی می‌توان گفت عمارت دیوان‌خانه به‌عنوان یک فرم موجود در اذهان ایرانیان برشی از کوشک‌های برون‌گرای نه‌قسمتی یا آپادانایی است که به دلیل امتیاز یک راستا، سه قسمتش برجا مانده و در یک راستا کشیدگی دارد (تصویر ۱). هماهنگی با شرایط بستر، چون وجود شیب زمین و بهره‌گیری از مناظر تماشایی طبیعی و مؤلفه‌های اقلیمی، را می‌توان از جمله دلایل کشیدگی کوشک و جهت‌گیری آن برشمرد. کوشک واقع بر صفا، در میان یک تالار ستون‌دار یک‌طبقه، با ۱۶ ستون چوبی در ارتفاع دوطبقه است (ملگونف، ۱۳۶۴، ۸۸). تالار ستون‌دار میانی مکانی ایستا در نقش نظرگاه است. ساختار ستاوند میانی، در ساختار تغییر یافته، موانع دید دو سمت متقابل راستای اصلی را حذف کرده است (تصویر ۲). تغییر ساختار ستاوند موجب امتداد دید، تداوم فضای باغ، حفظ پیوستگی و تلفیق بیشتر کوشک با طبیعت، هماهنگی بیشتر با اقلیم منطقه و گردش هوا، تقویت نظام حواس و اهداف کارکردی و معنایی شده است.



تصویر ۱. برشی از کوشک نه‌قسمتی آپادانا و تغییر ساختاری آن به سه‌قسمتی و جهت‌دار شدن آن. مأخذ: گذار، ۱۳۷۷.

می‌دهد (حیدرنتاج و رضازاده، ۱۳۹۴، ۴۸). نظرگاه در باغ، با توجه به درون در جوار طبیعت برون، مهیای مقدمات سیر در آفاق و انفس در نظاره‌گرند (اعتضادی و بینا، ۱۳۹۴، ۳۸).

نظرگاه، علی‌رغم ایجاد مکانی برای حظ بصری، لذت‌بخشی، با ایجاد حداکثر تعامل با طبیعت تقویت‌کننده قوا و سلامتی جسمانی، روحی، روانی و رشد معنوی است. طرح صلیبی باغ، حداکثر انرژی را در کانون، یعنی کوشک ایجاد می‌کند و انسان را از کثرت مادی رها می‌کنند (رضایی‌مود، ۱۳۸۳، ۲۶-۳۱). در این موقعیت امواج منفی تخلیه و امواج مثبت در بدن نفوذ می‌کند و انسان را به تأمل وامی‌دارد. تأمل و دعوت‌کنندگی باغ موجب جدایی انسان از هیاهوی بیرون و پیوند او به نظام معنایی آن می‌شود. همچنین تقویت تعامل با طبیعت نقش بسیار مؤثری در سلامتی، درمان و افزایش قوای جسمی، روحی، روانی و رشد عملکرد مغزی دارد (Kaplan, 1972; Kellert, 2005; Jordan, 2015).

پس کوشک به‌عنوان بخشی از سیستم باغ، با موقعیت مکانی و معماری خود، غنی‌ترین فرصت را برای ارتباط با طبیعت، تأمل و بهره‌برداری مادی و معنوی، هماهنگ با نظام‌های سیستم باغ، فراهم می‌کند. کوشک با حداکثر تعامل با طبیعت و منظر باغ، علی‌رغم داشتن یک شخصیت برجسته، در خدمت منظر باغ و دستیابی به اهداف متعالی انسانی است. زیبایی کوشک نیز در نگاه سیستمی و کل‌نگر باغ، در تعامل با انسان و با بستر، تکامل یافته است. کوشک تنها زیبایی کالبدی، فارغ از معنا، هویت و هدف باغ ندارد، بلکه از طریق علم حصولی و حضوری در بستر باغ، هدفدار درک می‌شود. نظام‌های کارکردی، کالبدی، تمرکز حواس، معنایی، ذهنی و زیبایی در کوشک به‌عنوان بخشی از یک سیستم باغ در هماهنگی با هم، در بستر جغرافیایی و فرهنگی مکان، هدفمند و موجد یک کلیت واحدند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناسی روی کوشک باغ شاه انجام شده است. براساس مطالعات میدانی و اسنادی، پژوهش سعی بر فهم نحوه تعامل کوشک با باغ، محیط و انسان، با تکیه بر پدیدارشناسی نظام‌ها و زیبایی و روابط میان آنها و آسیب‌شناسی تحولات اثر دارد.

پدیدارشناسی نظام‌های سیستم کوشک در دوره صفوی

واحد سیستم کوشک در سیستم نظام‌مند منظر باغ، حاصل تعامل و هماهنگی نظام‌های آن در حکم اجزای سیستم، است. از این رو برای فهم هویت منظر کوشک، نحوه عملکرد سیستم و روابط میانشان در بستر باغ، همچنین آسیب‌شناسی آن، به بررسی نظام‌های تشکیل‌دهنده این سیستم (نظام کالبدی،



تصویر ۲. تغییرات ساختاری ستاوند و امتداد دید در کوشک باغ شاه. مأخذ: دونالد ویلبر، ۱۳۸۷.

• نظام کارکردی

- نقش نظرگاهی کوشک، مهم‌ترین عامل پیونددهنده کوشک با باغ و منظر طبیعی

در فعل نظر، اصلی‌ترین رویداد هویت‌بخش نظرگاه، یعنی ارتباط دوسویه میان نظاره‌گر (در مکان نظرگاه-درون) و منظره مطلوب (بیرون) روی می‌دهد (اعتضادی و بینا، ۱۳۹۴، ۳۸-۳۹). گشودگی دو جبهه متقابل کوشک به فعل نظر قوت بخشیده و طبقات توده و تالار ایستای میانی نظرگاه‌هایی با کیفیات متفاوت ایجاد کرده است. تالار ستون‌دار در طبقه پایین مهیای فرصت مکث و بیشترین تعامل با منظر باغ و عناصر آب، باد و گیاهان است، اما طبقه بالا تعامل انسان بیشتر با منظر طبیعی دور مثل جنگل و دریا، تاج درختان و آسمان است. با ارتفاع گرفتن نظرگاه از بستر، حتی نوای غالب موسیقی طبیعت تغییر می‌کند. به واسطه ارتفاع طبقه، منظر هوایی و کریدور دید خیابان باغ و منظر دور طبیعی، یعنی دریا، جنگل و آسمان، به منظر باغ دوخته می‌شود و بر قوت تلفیقشان می‌افزاید. به این ترتیب کیفیت نظرگاه باغ موجد تجربه‌های حسی متفاوت، وحدت میان منظر باغ و طبیعی و اعتلای تأثیراتشان بر انسان، می‌شود.

• نظام تمرکز حواس و تأثیرات آن

- مکانی تأمل‌برانگیز و تقویت‌کننده عملکرد مغزی، قوای ادراکی و شهود

فعال کردن حواس پنج‌گانه در ادراک، با استفاده از عناصر طبیعی و نیروهای آن و به‌فعلیت‌رساندن پتانسیل‌های طبیعی مکان در نوع انتظام‌بخشی باغ و طرح کوشک صورت می‌گیرد. کوشک در امتزاج چند عامل به میدان انرژی خود قوت داده است. حداکثر تعامل منظر باغ با منظر طبیعی و تجمع هوشمندانه عناصر طبیعی در طرح صلیبی باغ در نظرگاه -کوشک- متمرکز شده و وحدت پیدا کرده است. معماری کوشک در هماهنگی

با نظام‌های دیگر، تلفیق و وحدت با طبیعت و نظام باغ و همچنین سازگاری با طبیعت چنین تأثیراتی را در پی دارد: کیفیت معماری کوشک خلوتی مطلوب و کیفیتی دعوت‌کننده به تأمل، غور و اندیشه در انسان ایجاد می‌کند. این کیفیت مسبب خودارزیابی شخصی است که گام‌های بعدی خودشکوفایی فردی و جمعی و بهداشت روان را تأمین می‌کند (شاهچراغی، ۱۳۹۵، ۱۷۰-۱۷۱). بهره‌گیری از نیروهای شفاف‌بخش طبیعی معجزه‌ای در سلامتی، رشد و درمان انسان محسوب می‌شود (کتلر، ۱۳۹۷). انرژی‌های طبیعی در هاله الکترومغناطیس بدن تأثیر مثبت می‌گذارد (رضایی‌مود، ۱۳۸۳، ۲۶-۳۱). از سویی افرادی که تجربه بیشتری از ارتباط با طبیعت را دارند، احساس قدرت و استعداد بیشتری کسب می‌کنند (Selhub & Logan, 2012, 11).

پس فرصت مکث و سکون در نظرگاه با واقع‌شدن در مرکز میدان انرژی‌های مثبت، موجب افزایش تمرکز حواس، تأمل و تعقل، تقویت عملکرد مغزی، مکاشفه، اعتمادبه‌نفس و قوای ادراکی و شهودی می‌شود.

• نظام معنایی و رابطه آن با نظام‌های دیگر

- معبدی عارفانه و اعتلادهنده بینش معبودشناسی

باغ ایرانی طبیعت را مشهود و عناصر موجود در آن را تفسیر کرده و به آن معنا داده است. در اذهان صفویان بینشی عارفانه و روحیه‌ای ملی و مذهبی اسلامی جاری بوده که در پیوند با سیاست بوده است (بنگرید به متدین، ۱۳۸۹، ۶۱؛ تیمم‌داری، ۱۳۷۲، ۴۵-۹۱). یکی از مظاهر عینی وجود حکمت عرفانی در باغ شاه، استفاده از کهن‌الگوی چهارباغ ایرانی است که در این باغ نیز نمود یافته است. این الگو در دوران بعد از اسلام، تمثیلی از بهشت قرآنی و در نظر عارفان تمثیلی از وجه باطنی خلقت است (شاهچراغی، ۱۳۹۵، ۱۲۳؛ مقدادی و موسوی‌گیلانی، ۱۳۹۵، ۷). عالمی (۱۳۹۰، ۶) نیز الگوی چهارباغ را استعاره‌ای از عالم خلقت می‌داند.

نظاره‌گر از کوشک باغ شاه، در یک سکانس، نشانه و تمثیلی از بهشت زمینی و وجه باطنی خلقت و آیه‌های خالق را درک می‌کند. در سکانشی دیگر با رویکردی آیه‌نگر، با امتزاج منظر طبیعی در منظر باغ، بر قوت ادراک خود می‌افزاید و پی به جمال و عظمت خالق می‌برد. فرارگیری انسان در میدان انرژی و مکان تأمل‌برانگیز کوشک فرصتی برای نظر به آیات الهی و چیزی بیش از دیدن است؛ نگاهی است که توأم با مکاشفه و درک لایه‌های عمیق‌تر است (منصوری، ۱۳۸۳، ۷۹). در اینجا کوشک به‌مثابه یک معبد با نقش نظرگاهی خود سعی در نمایاندن زیبایی‌ها و یادآوری نشانه‌های وجود زیبایی مطلق دارد. نشانه‌ها حکایت از وجودی فراتر از عینیت حس‌شده دارد، بی‌آنکه وارد چیستی یا چگونگی آن شود (همان، ۷۴). التذاذ از جمال ظاهری خلقت مقدمه وصول

معرفی کرده که به واسطه نیروهای طبیعی و ماوراءالطبیعه سعی در افزایش قدرتش دارد.

- نظام کالبدی در خدمت معنا و اهداف متعالی

کوشک مکانی است که توان بالقوه محیط را بالفعل کرده است. چنانکه نوربرگ شولتز خاصیت وجودی ساختمان را در همین موضوع می‌داند که موجب تبدیل جا به مکان می‌شود (Norberg-Schulz, 1982, 18). به‌طور کلی کوشک در نظامی دوگانه پدیده آمده: در نظام کلی انسان‌مدار و در جزء و فضای ملموس طبیعت‌مدار. ساختار کوشک از مصالحی بومی، هم‌ساز با اقلیم و بستر مثل چوب شکل گرفته که حداقل دست‌درازی به طبیعت را در قبال حداکثر سازگاری، احترام و تواضع دارد. ستون‌های ظریف تالار اجازه حداکثر فرصت حضور باغ به درون مکان و تعامل با آن را پدید آورده‌اند. آرامش رنگ بی‌کروم با کارکرد باغ، به‌مثابه محیط تأمل، ادراک شهودی و رشد، سازگار است (ibid.: 63). کوشک متواضعانه در نهایت سادگی و وحدت با منظر باغ و طبیعی، به دور از هرگونه منیت و عرض اندام، سعی در عرضه پتانسیل‌های خود مکان، سودمندی و بستری برای رشد عقلی و کمالی بودن و اهداف متعالی ذهن دارد. زیرا معماری کوشک بیشتر از ایجاد توده‌های معماری و تزئینش بر مکان و جایگاه نظرگاهی خود و حداکثر تعامل با طبیعت و سازگاری با آن تأکید دارد. بنابراین موضوع اصلی عرض اندام کالبد کوشک نیست، بلکه مکان آن، جایگاه و نحوه تعامل انسان در این سیستم، در دستیابی به لذت، آرامش و اهداف ذهنی، تکامل و رشد کمالی، شعوری و معرفتی و چگونگی عینیت‌یافتن آن است.

- نظام معنایی و ارتباط آن با زیبایی

در مجموع، معماری و هندسه باغ از فرم‌های ساده و غالباً مستطیل‌شکل است. به‌نظر می‌آید عناصر اصلی باغ یعنی آب، گیاه و کوشک، که تابع این نوع هندسه ساده‌اند، فارغ از مباحث دیگر مانند صورت در ذهن مانده، سلیقه، تناسب با نحوه عملکرد و هم‌خوانی خطوط هندسی یا مؤلفه‌های دیگر، ظرفی ساده، متواضع، بااقتدار و محترم برای حضور موضوع اصلی و مقدمه‌ای در تعریف سوژه است.

در نگاه اندیشمندان مسلمان، زیبایی تنها ماهیت ظاهری و تجربی ندارد، بلکه لایه‌های ژرف‌تر آن برتر، غنی‌تر و لذت‌بخش‌تر است، به‌تعبیری درک زیبایی به سیر درونی و راه کسب بیرونی نیاز دارد (نقره‌کار، ۱۳۸۹، ۷۶-۷۷). با ظهور نگرش اسلامی، تغییر مفهوم طبیعت و عناصر آن از «مقدس» به «آیه» دگرگونی بنیادی را در نقش منظر باغ ایجاد نکرده، بلکه وضعیت منظر قلبی تکامل یافته است (منصوری، ۱۳۸۴، ۵۸). اهداف متعالی انسانی، طبیعت و عناصر آن مثل گیاه خود موضوع اصلی منظر باغ است. آب و گیاه عناصر اصلی حیات، مظهر سودمندی، قداست یا در نگرش اسلامی آیه‌های وجود

عارفان به خالق است که شخص را مستعد درک حسن و جمال غیبی می‌کند (بنگرید به زرین‌کوب، ۱۳۶۴، ۱۷۸). ارتقای ادراک شهودی در ادراک حسن و زیبایی مطلق، گره‌های درونی را می‌گشاید و لحظه‌لحظه انسان را به جهانی مطلوب رهنمون می‌کند.

بنابراین کوشک باغ شاه به‌مثابه یک معبد، از طریق نمادپردازی و آیه‌نگری، پله عروجی در بعد کمالی، رشد و اعتلای بینش معبودشناسی انسان دارد. از این منظر، باغ معبدی عارفانه برای انسان بوده است. چنان‌که اغلب پژوهشگران نیز بر این باورند، در باغ ایرانی نهایت مادی به بی‌نهایت معنوی اعتلا می‌یابد (شاهچراغی، ۱۳۹۵، ۱۵۹).

- جایگاه بزرگان و خدایان

نقش مکان نظرگاهی کوشک در اعتلای سلامتی، قوا و کمال انسانی دربردارنده حسن و ارزش مکانی و همچنین نشانی از هویت و مقام رشدیافته استفاده‌کنندگان آن است. زیرا محیط برانگیزاننده احساس‌های گوناگون و مؤثر در افکار و رفتار است (گروتز، ۱۳۹۰، ۳۲؛ Ding & Lin, 2009, 75). بنابراین کوشک جایگاه بزرگان و مقامات و تفاخر به بستر روح‌انگیز فکری و شخصیتشان بوده است. از این نظر، شاه در این جایگاه، مثالی از زیبایی پنداشته می‌شده است. چون مکان او سعی در نزدیکی او به زیبایی مطلق، افزایش کمال و قدرتش دارد. به‌نظر می‌آید معمار با طرح کیفیات ذکرشده، تداعی‌کننده برتری مقام شاهی از نظر عقلی، عرفانی، و جلوه‌دادن او به‌سان واسط خیر و نعمت خداوندی بر زمین برای مخاطب و برانگیختن چنین احساسی در او بوده است:

- تسلط دید شاه از کوشک بر زمینه و مردم (نمادی قدرت و نظارت بر مردم)؛

- سلسله‌مراتب محور حرکت از ورودی تا کوشک؛ این نظم فرصتی برای آمادگی روحی، تأمل و درک حقیقت در فضای انرژی‌بخش باغ است. سلسله‌مراتب روبه‌بالای ورودی تا کوشک براساس جهان‌بینی ایرانیان حرکت از ظلمت به نور را معنا می‌کند (براتی، آل‌هاشمی و میناتور سجادی، ۱۳۹۶، ۶). می‌توان گفت در این حرکت، شاه به نوری از جانب خدا در زمین تعبیر می‌شده که سلسله‌مراتب آن به نشانه احترام همراه با حرکتی باطمینان برای ملاقات اوست. این‌گونه فضای باغ به تاج و تخت ابهت نیز بخشیده است.

- حرکت روبه‌بالای باغ؛ این حرکت نمادی از نزدیکی به آسمان، معنویت و نور، در عین دوری از هیاهوی زمینی و تاریکی است.

- پیوستگی فضایی کوشک با بستر در عین داشتن حریم؛ تداعی وجود شاهی از خود مردم اما در مرتبه‌ای رشدیافته‌تر. بنابراین کوشک در نقطه اتصال زمین و آسمان صاحبش یعنی شاه را مقامی با ارزش والای فکری و صاحب حسن و زیبایی

ادراک‌کننده، مقام عرفانی و نسبت شناخت و نزدیکی او به زیبایی مطلق، به تکامل می‌رسد. پس کوشک ظرف حضور زیبایی است که تأثیری ماندگار بر ادراک‌کننده خواهد داشت. در نتیجه کوشک در یک نگرش کل‌نگر در سیستم باغ حضور یافته که لایه‌های نظام‌های مختلف آن، در هماهنگی با یکدیگر و مکمل هم، موجب حیات کوشک شده‌اند.

تحولات منظر سیستم کوشک در دوره قاجار

در این دوران سیر تکاملی معماری در مواجهه با جهان مدرن قطع شد. معماری تحت تأثیر اندیشه‌ها، امواج نوگرایی و مظاهر مدرن قرار گرفت و توجه از لاهوت و سنت به سمت ناسوت و تجدد گرایش پیدا کرد. در نهایت منبع الهام از سنت و گذشته به سوی غرب و جهان مدرن گرایش پیدا کرد (قبادیان، ۱۳۹۴، ۲۰-۲۱). در این بحران، تحولات و آسیب‌هایی بر نظام‌های سیستم منظر کوشک وارد شد (تصویر ۳) که در جدول ۱ به آنها اشاره شده است.

پس هماهنگی نظام‌های منظر در حال کناره‌گیری از نگرش کل‌نگر و سیستمی کوشک باغ و ورود به استقلال‌گرایی، جزء‌گرایی نظام‌ها و گسست ارتباطات میان آنهاست. کناررفتن

حسن و زیبایی مطلق‌اند. زیبایی در ذات و طبیعت آنهاست که نیاز به بزک‌کردن ندارند و معماری، با احترام، واسطه‌ای برای تجلی و بهره‌مندی آنهاست. تغییرات پدیده‌های باغ که حواس مادی تا مفهومی را اغنا می‌کنند، سرمستی از این نگاه آیه‌گراست که ارزش قدسی می‌یابد (هاشمی‌زادگان و شیبانی، ۱۳۹۵، ۵). کیفیت باغ ایرانی از تکوین زیبایی‌ها و منافع عالم ماده به ماورا استعلا یافته است (همان). معماری تابعی از مفهوم درخور معرف سوژه، سلیقه‌ای برجامانده از تفاسیر ذهنی، عملکرد و اهداف متعالی انسانی است.

بنابراین کالبد معماری باغ و کوشک از کل تا جزء، ظرفی مناسب برای عرضه زیبایی و حضور انسان در میدانی از حسن و زیبایی است تا رشد یابد. به واسطه شرایط موجود در کوشک و عوامل بیرونی، یعنی آیه‌های زیبایی، فرد ادراک‌کننده با اعتلای درونی و اجازه رخنه زیبایی به درون، در پی مرتبه کمالی و درک لایه‌های ژرف‌تر و لذت‌بخش‌تر زیبایی است. عمق درک این زیبایی در فرد با رشد کمالی او رابطه‌ای مستقیم دارد. در نتیجه حقیقت زیبایی از طریق علم حصولی و حضوری متناسب با ظرفیت فرد ادراک‌کننده بر او تجلی و حضور می‌یابد. معنای زیبایی در کوشک با حضور فرد

جدول ۱. تحولات نظام‌های سیستم کوشک در دوره قاجار. مأخذ: نگارندگان.

نظام سیستم	تحولات دوره قاجار
نظام کالبدی	در این زمان متأثر از نوگرایی مدرن کوشک به‌سبک نئوکلاسیک بازسازی شد، اما عناصر اصلی معماری ایرانی، هویت نظرگاهی و ارتباط فضایی آن با باغ همچنان به شکل سابق باقی مانده است (بنگرید به تصویر ۳). در ادامه به تغییرات متأثر از این سبک اشاره می‌شود: - محصور کردن نظرگاه طبقه فوقانی؛ - تقارن و تکرار فرم‌ها در نما؛ - استفاده از قوس کمانی؛ - تغییر شمایل بیرونی تالار با جایگزینی جرزها و تقسیمات عمودی متقارن به‌جای ستون‌های باریک تالار؛ - ایجاد و تأکید بر محور ورودی با بزرگ‌تر شدن مقیاس دهانه وسط؛ - استفاده از مصالح سفیدرنگ شبه‌سنگ در نما، اما فاقد تزیینات نئوکلاسیک؛
نظام معنایی، زیبایی و رابطه آن با دیگر نظام‌ها	تجدد‌گرایی کوشک را به سمت عرضه مظاهر کالبدی، مطرح‌شدن توده معماری به‌عنوان سوژه زیبایی، با گرایش به زیبایی بیرونی بر محوریت دستاورد خلق انسان، سوق داده است. کوشک لباسی شبه‌نئوکلاسیک بر اندام معماری ایرانی کرده که، مغایر با هویت سابق و سلیقه‌های معماری ایرانی، شکلی القاطی به آن داده است. استفاده از مصالح بومی و سازگار با محیط چندان مورد توجه نبوده و احترام و تواضع سابق به طبیعت نیز کاسته شده است. وجود چنین مؤلفه‌هایی در بازسازی کوشک نشان از استقلال نظام کالبدی و زیبایی‌ظاهری کوشک با توجه به موازین فکری نوگرایی غرب از کلیت و سیستم باغ دارد. در پی منبع الهام‌شدن جهان مدرن، ارزش‌های قدسی و جنبه متعالی و هدفمند زیبایی در حال محو شدن است.
نظام کارکردی	کارکرد نظرگاهی کوشک با ضخیم‌تر شدن جداره‌ها و تعریف قوی‌تر فضای داخل تالار ضعیف‌تر شده است. زیرا تلفیق و پیوستگی فضای باغ با کوشک با تمرکز بیشتر به فضای داخل کمتر از قبل شده است. از طرفی محصور شدن نظرگاه طبقه فوقانی از کیفیت تنوع نظرگاه کاسته است. بنابر چنین تحولاتی در نظام کالبدی، فکری و تمرکز حواس به‌نظر می‌آید کارکرد کوشک بیشتر بر جنبه لذت‌بخشی و حظ بصری تأکید کرده و هدف‌های متعالی کمال انسانی در آن کم‌رنگ‌تر شده است.
نظام تمرکز حواس	با توجه به تغییرات کالبدی کوشک و ضعیف‌تر شدن عملکرد نظرگاهی آن، از تعامل کوشک با منظر باغ و طبیعت بسترش کاسته شده است. استقلال بیشتر فضاهای معماری، به‌خصوص تالار، توجه انسان را بیشتر از قبل به فضای داخل معطوف می‌کند. در صورتی که در سابق وجود حداقل عناصر کالبدی در نظرگاه و ضعیف‌تر بودن مرز معماری از باغ به حداکثر پیوستگی میان آنها و قوای تمرکز حواس و تأثیرات مثبت آن منجر می‌شده است.

و هویت بنا، فدای عملکرد و رفاه می‌شد. در چنین دورانی، بخش اعظم مجموعه برای رفاه بیشتر کاربران تغییر یافت یا نابود شد (منصوری رودکلی و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۶). تحولات و آسیب‌های وارد بر نظام‌های سیستم منظر کوشک (تصویر ۴) در این بحران در جدول ۲ آمده است.

نظام کالبدی و مفهوم زیبایی از سیستم کوشک گسسته شده و در پی معرفی زیبایی‌باز و دستاورد انسانی، با فاصله گرفتن از کل هدفمند باغ، استقلال پیدا کرده‌اند. همین عوامل همراه کاهش تعامل با منظر باغ تضعیف نظام حسی را منجر شده است. در حالی که در سابق نظام‌ها در ارتباط و مکمل با هم، در یک سیستم کل‌نگر، معنا می‌گرفتند. دستاورد این نگرش جزءنگر سطحی ورود سلیقه‌های مغایر با هویت و سیستم کوشک بوده است.



تصویر ۳. وضعیت کوشک در دوره قاجار. مأخذ: عکاسخانه کاخ گلستان.

تحولات منظر سیستم کوشک در دوره جمهوری اسلامی

در ادامه تحولات عمیق دوره پهلوی و گسست نظام‌ها، شاهد تحولاتی در عصر حاضر هستیم (تصویر ۵) که در جدول ۳ آورده شده است. منظر کوشک دچار جدایی و گسست ارتباط نظام‌های کالبدی، معنایی، کارکردی، حسی و زیبایی با خروجش از نظام هماهنگ و کل‌نگر شده است. ورود تغییرات نابه‌جا و سلیقه‌هایی خالی از هویت و معنا در خارج از محیط

سیستم واحد نظم‌دهنده یا یک کلیت واحد اجازه نفوذ تحولات خارج از محیط سیستم را به کوشک داده و آن را دچار سردرگمی کرده است.

تحولات منظر سیستم کوشک در دوره پهلوی

با ورود مدرنیسم و شروع اعمال رویکردهای آن در شهرسازی، از توجه به ارزش بافت تاریخی باقی‌مانده اثر کاسته شد. به‌طوری که گاهی اصالت تاریخی، فارغ از چپستی و جایگاه

جدول ۲. تحولات نظام‌های سیستم کوشک در دوره پهلوی. مأخذ: نگارندگان.

نظام سیستم	تحولات دوره پهلوی
نظام کالبدی	معماری کوشک در این دوران، با تحولاتی عمیق‌تر نسبت به قبل و الگوبرداری از سبک فرنگی نئوکلاسیک، بازسازی شد. تحولات ایجادشده بر حسب این سبک در جداره بیرونی و نما چنین بوده: - قرینگی نما با حفظ لبه‌ها و تناسبات حجم کلی قبل؛ - برجسته‌شدن محور ورودی، استقلال پله در حجم بیرون با کیفیت سه‌بعدی و نمایش تندیس‌وارانه که تالار را از عنصری استاتیک به دینامیک و به فضای ورودی مبدل کرده است (بنگرید به تصویر ۴)؛ - استفاده از قوس‌های کمانی و رومی و طرح پنجره‌ها؛ - استفاده از نمای سفیدرنگ و نرده‌ها که البته کمتر از تزیینات این سبکی استفاده شده؛ به‌تبع این تحولات، تغییر کیفیت‌های معماری، مثل بسته‌شدن کریدور دید و تداوم فضای باغ، ضعف کارکرد کوشک در نقش نظرگاه و کاهش تعامل و ارتباطات سیستمی با باغ صورت گرفت.
نظام معنایی، زیبایی و رابطه آن با دیگر نظام‌ها	زیبایی معنایی دیگر یافته است. کوشک در پی عرض اندام شبه‌غربی خود در پی منیت و نمایش زیبایی با رویکرد ابژکتیو و ناسازگار با هویت زمینه شده است، در حالی که در سابق مکان کوشک مهم‌تر از ساختار آن بوده و مکان نمایش زیبایی‌ها، پرورش قوای فکری و تعالی انسانی و در خدمت اهداف منظر بوده است. در این تغییر نگرش و برتری ابژه، کم‌توجهی به نظاره‌گر، ارزش‌های ذاتی هر عنصر و کاهش روابط نظام‌های منظر کوشک در بستر باغ و کنش میان آنها اتفاق افتاده است. پس مفهوم زیبایی و تأثیرات ماندگار آن با قوت نگرش ابژکتیو و جزءنگری نظام کالبدی تنزل یافته است.
نظام کارکردی	استقلال زیاد بنا نسبت به قبل، از سیستم باغ و تبدیل نقش نظرگاه به بنایی در باغ
نظام تمرکز حواس	در کل معماری با طبیعت به معماری بر طبیعت و جدا از سیستم مبدل شده است. محصوریت تالار و تغییر کیفیت فضای مکت تأمل‌برانگیز تالار موجب ضعف پیوند انسان با باغ و بهره‌وری مادی و معنوی و نفوذ زیبایی به درون به واسطه ادراک حسی، عقلی و شهودی شده‌اند.

در دوره پهلوی، با نفوذ بیشتر موج مدرنیسم، شتاب بیشتری گرفته است (تصویر ۶). تحولات نابه‌جا و ورود سلیقه‌های متنوع ناشی از جزءنگری، عدم هماهنگی و گسست نظام‌ها از سیستم کل‌نگر کوشک در سیستم باغ موجب افت کیفیت آن شده است.

نتیجه‌گیری

پدیدارشناسی نظام‌های کوشک در دوره صفوی نشان از وجود نگرش سیستمی و کل‌نگر به کوشک در سیستم باغ شاه دارد. نقطه عطف تحولات اساسی نابه‌جای کوشک در دوره پهلوی بوده و پس از آن شتاب گرفته است. با ورود مدرنیسم و اندیشه‌های آن، از معماری نئوکلاسیک در مرمت و بازسازی از آن‌گوبرداری شد که موجد ناهماهنگی با سیستم کوشک در بستر کلیت واحد باغ بوده است. در این وهله دیدگاه کل‌نگر و سیستمی کوشک شکسته شده است. جزءنگری به نظام‌های کوشک، گسست و عدم انطباق لایه‌های نظام‌های باغ در تشکیل یک کل واحد و همچنین ضعف ارتباط میان آنها در سیستم کوشک و باغ موجب ضعف و آسیب منظرش شده است. گسست نظام‌های کارکردی، کالبدی، تمرکز حواس، معنایی، ذهنی و زیبایی در کوشک، به‌عنوان بخشی از سیستم باغ، کوشک را به عنصری وصله‌شده به باغ مبدل کرده است. زیرا یک سیستم کل‌نگر به مجموعه‌ای از گسست‌ها مبدل شده است. گاهی تغییرات نابه‌جای جزءنگر، علی‌رغم عدم هماهنگی نظام‌ها با هم در سیستم در راستای هدف، با هم در تعارض قرار گرفته و در سیستم اختلال ایجاد کرده است. تقلیدهای مغایر با هویت کوشک و زمینه، و ورود سلیقه‌های متفاوت در نظام‌های مختلف و خارج از محیط سیستم و تحولات نابه‌جا از چالش‌های نگاه جزءنگر، سطحی و ابژکتیو است.



تصویر ۴. وضعیت فعلی کوشک پهلوی که امروز تغییراتی اساسی در ساختار جداره بیرونی آن ایجاد نشده است. مأخذ: <http://harfonline.ir>

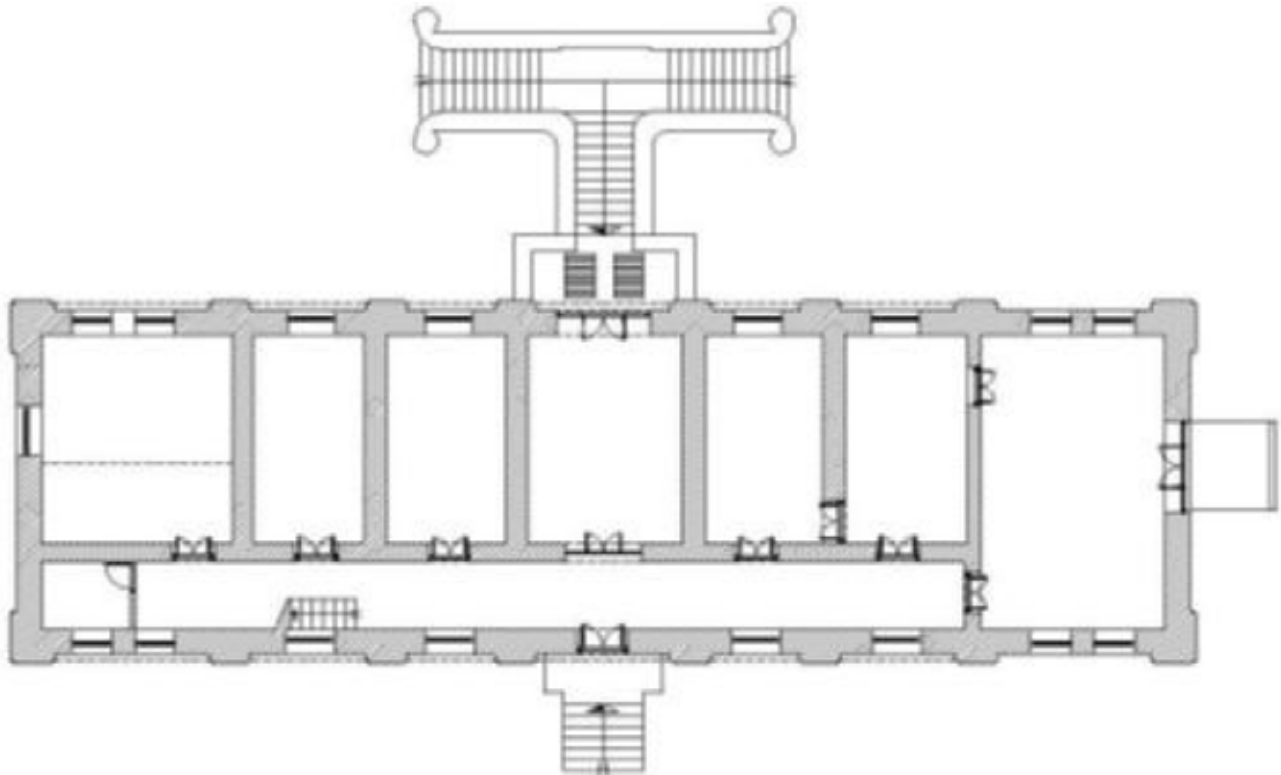
سیستم کوشک در اثر جزءنگری در واقع نادیده انگاشتن علت وجودی و هدف غایی این پدیده در بستر باغ و غفلت از روابط و تأثیر کنش نظام‌ها بر هم و بر کل سیستم است.

بحث

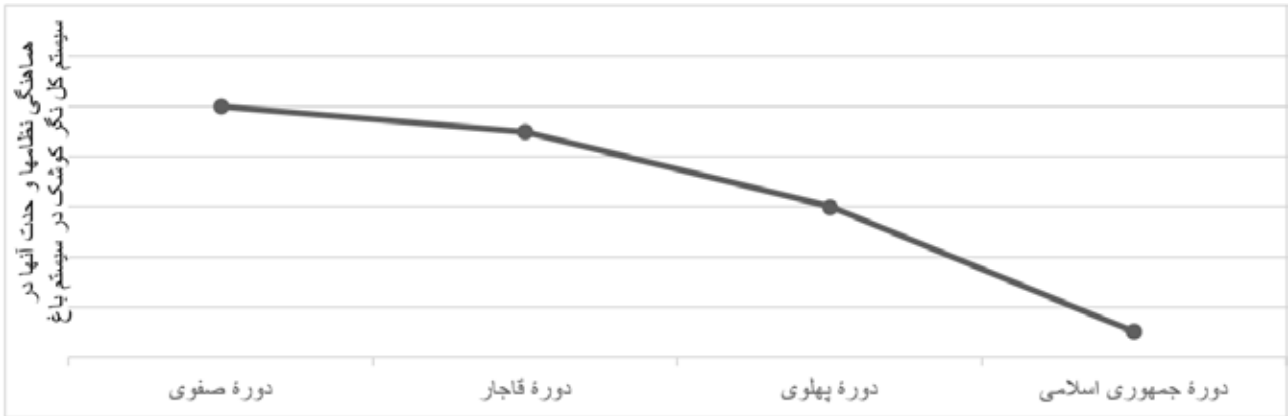
نتایج نظر صاحب‌نظران نشان داد کوشک در باغ مکانی برای تقویت ارتباط با طبیعت و بهره‌برداری مادی، معنوی از آن در بستر فرهنگی و جغرافیایی است. کوشک محصول نگرشی سیستمی و کل‌نگر، هماهنگی و وحدت نظام‌های کارکردی، کالبدی، تمرکز حواس، معنایی، فکری و سلیقه‌های حاصل از تداوم معناهاست. تحلیل نظام‌های کوشک در دوران صفوی نشان از وجود نگرشی کل‌نگر و سیستمی به‌عنوان بخشی از سیستم باغ است. این هماهنگی و نگرش سیستمی موجد زیبایی ماندگار در کوشک بوده‌اند. اما ارزیابی تحولات نشان داد کناره‌گیری این نگرش و استقلال مفاهیم نظام‌ها و گسست ارتباط لایه‌ها در سیستم کوشک از دوره قاجار شروع شده و

جدول ۳. تحولات نظام‌های سیستم کوشک در دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

نظام سیستم	تحولات دوره جمهوری اسلامی
نظام کالبدی	تغییرات فضایی در پلان و تعداد طبقات (منصوری رودکلی و همکاران، ۱۳۹۵) و جدایی بیشتر از منظر و طبیعت باغ
نظام معنایی، زیبایی و رابطه آن با دیگر نظام‌ها	با خالی‌شدن مفاهیم و ارزش‌های درونی از هویت کوشک، در حال حاضر سعی شده با نوشتار ارزشی بر سردر ورودی، بزک ظاهر و رنگ، معنا و زیبایی کوشک جبران شود (بنگرید به تصویر ۴). با گسست ارتباط حسی کوشک از باغ برای القای مفهوم زیبایی مطلق، سودمندی و معنا جایگاهی در زیبایی‌شناسی کوشک ندارد. معیار تغییر و ورود هر چیزی، سلیقه شخصی شده نه توجه به کیفیت سیستم کوشک.
نظام کارکردی	در این زمان کاربری شهرداری به کوشک تحمیل شده است. غافل از اینکه این کاربری ضرورت‌ها و نیازمندی‌هایی مغایر با هویت و هدف سیستم کوشک داشته که بر تشدید تحولات نابه‌جای کالبدی دامن زده است (بنگرید به تصویر ۵). انتخاب نوع کاربری فعلی و تغییر نظرگاه به یک بنای اداری نیز ناشی از گسست نظام کارکردی از کل و جزءنگری است.
نظام تمرکز حواس	افزایش محصوریت فضایی با افزایش طبقات در کالبد سابق، خردشدن فضای پلان و افزایش محصوریت جداره‌ها، موجب استقلال بیشتر بنا از باغ شده است. ضعف تعامل کوشک با باغ موجب تضعیف نظام تمرکز حواس و تأثیرات مثبت آن شده است.



تصویر ۵. پلان وضعیت فعلی کوشک پهلوی. مأخذ: میراث فرهنگی مازندران.



تصویر ۶. نمودار افزایش افت کیفی منظر کوشک در کناره‌گیری از سیستم کل نگر در ازای جزءنگری در ادوار مختلف. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

۱. بهشهر کنونی
۲. محلی برای به حضور پذیرفتن و پذیرایی از سفرا و مهمانان دربار.
۳. چهلستون‌هایی که در سه طرف دیوار ندارند.

فهرست منابع

- اعتضادی، لادن و بینا، محمد جواد. (۱۳۹۴). بررسی کوشک هشت‌بهشت اصفهان، در مقام نظرگاه. صفه، ۳۵(۳)، ۶۴-۳۵.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۴). سبک‌شناسی معماری ایرانی (تدوین: غلامحسین معاریان). تهران: سروش دانش.
- جهان‌بینی
- ناصر؛ آل‌هاشمی، آیدا و میناتور سجادی، آرمان. (۱۳۹۶).

- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۷۲). *عرفان و ادب در عصر صفوی*. تهران: حکمت.
- تیموری گرده، سعیده و حیدرنتاج، وحید. (۱۳۹۳). نظرسنجی از نگاه عنصر اصلی تصویرشده از باغ در نگاره‌های نمایش‌دهنده باغ ایرانی، *باغ نظر*، ۱۱(۳۰)، ۱۵-۲۶.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). امکان مقدس در ارتباط با طبیعت. *باغ نظر*، ۴(۸)، ۱۲-۲۲.
- حیدرنتاج، وحید و رضازاده، اسحق. (۱۳۹۴). هم‌نشینی آب و گیاه و نظرسنجی از نگاه کهن‌الگوی باغ ایرانی. *منظر*، ۷(۳۳)، ۴۸-۵۵.
- دانشدوست، یعقوب. (۱۳۶۹). باغ ایرانی (سخنرانی در دانشکده معماری دانشگاه ملی ایران). اثر، ۱۱(۱۸ و ۱۹)، ۲۱۴-۲۲۴.
- رضایی‌مود، فریال. (۱۳۸۳). باغ‌های ایرانی از نگاهی دیگر. *معماری و شهرسازی*، ۷۹(۷۸)، ۲۶-۳۱.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۴). *از کوچه زندان*. تهران: امیرکبیر.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۷۵). *مدخل مسائل جدید در علم کلام*. قم: امام صادق علیه اسلام.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۵). *پارادایم‌های پردیس*. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی.
- عالمی، مهوش. (۱۳۹۰). *نمادپردازی در باغ ایرانی: حس طبیعت در باغ‌های سلطنتی صفوی*. *منظر*، ۳(۱۷)، ۶-۱۳.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۴). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: علم معمار.
- کتلی، آنا. (۱۳۹۷). *تقویت کارکرد مغز با طبیعت‌گردی* (ترجمه رسول شاکری و سارا شاکری). قابل دسترس در www.Takbook.com
- گذار، آندره. (۱۳۷۷). *هنر ایران* (ترجمه بهروز حبیبی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گروتز، یورک کورت. (۱۳۹۰). *زیبایی‌شناسی در معماری* (ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- متدین، حشمت‌اله. (۱۳۸۹). *علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران*. *باغ نظر*، ۷(۱۵)، ۵۱-۶۲.
- متدین، حشمت‌اله و متدین، رضا. (۱۳۹۴). *معماری کوشک، کوشک‌های نه‌قسمتی در باغ ایرانی*. *منظر*، ۷(۳۳)، ۳۲-۳۹.
- مصباح‌نیمی، سلماز. (۱۳۸۸). *روند شکل‌گیری مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر*. *باغ نظر*، ۱(۲)، ۵۵-۶۸.
- مقدادی، زهرا و موسوی گیلانی، سیدرضی. (۱۳۹۵). *معنویت و حکمت در*
- معماری سبک چهارباغ در دوران صفوی. *الهیات هنر*، ۳(۵)، ۷-۳۱.
- ملگونف، گریگوری والرینو ویچ. (۱۳۶۴). *سفر ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر* (ترجمه مسعود گلزاری). تهران: دادجو.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۳). *تماشای صحرا: تأملی در زیبایی‌شناسی منظره در شعر حافظ*. *باغ نظر*، ۱(۱)، ۷۱-۸۴.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۴). *درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی*. *باغ نظر*، ۳(۳)، ۵۸-۶۳.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۸). *منشأ زیبایی در باغ ایرانی*. *منظر*، ۱۱(۴۷)، ۳.
- منصور رودکلی، سمیرا. (۱۳۹۰). *بازشناسی جایگاه باغ شاه در شهر اشرف‌البلاد از دوره صفوی تا امروز*. *مرمت و معماری ایران*، ۱(۲)، ۱۷-۳۰.
- منصور رودکلی، سمیرا؛ دانشدوست، یعقوب و ابوتی، رضا. (۱۳۹۵). *بازخوانی سیمای اصیل باغ شاه اشرف‌البلاد (بهشهر) در دوره‌های مختلف تاریخی*. *نامه معماری و شهرسازی*، ۹(۱۷)، ۴۱-۵۹.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *مبانی نظری معماری*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۸۷). *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن* (ترجمه مهین‌دخت صبا). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاشمی‌زادگان، سیدامیر و شیبانی، مهدی. (۱۳۹۵). *باغ ایرانی هستی‌نوشونده*. *باغ نظر*، ۱۳(۴۵)، ۵-۱۲.
- Ding, W. & Lin, X. (2009). *Information Architecture: The Design and Integration of Information Spaces*. San Rafael: Morgan & Claypool.
- Scott, J. (2006). Social theory: In *Central Issues in Sociology*. London: Sage.
- Selhub, E. M. & Logan, A. (2012). *Your Brain on Nature: The Science of Nature's Influence on Your Health, Happiness, and Vitality*. Ontario: Wiley.
- Jordan, M. (2015). *Nature and Therapy: Understanding Counselling and Psychotherapy in Outdoor Spaces*. New York: Routledge.
- Kaplan, R. (1972). Some psychological benefits of gardening. *Environment and Behaviour*, (27), 145-162.
- Kellert, S. R. (2005). *Building for Life, Designing and Understanding the Human-Nature Connection*. Washington: Island.
- Norberg-Schulz, C. (1982). *Genius loci: Landschaft, Lebensraum, Baukunst*. Stuttgart: Klett-Cotta.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

دهقان، فرزانه السادات و فرقانی، کیوان. (۱۳۹۹). پدیدارشناسی منظر کوشک در سیستم باغ شاه و آسیب‌شناسی تحولات آن در ادوار مختلف. *منظر*، ۱۲(۵۱)، ۴۸-۵۷.



DOI: 10.22034/manzar.2020.215921.2028

URL: http://www.manzar-sj.com/article_108523.html